

زن آردیدگاه اسلام و سوسیا لیسیم و امیر الیسیم

هدیه و قرآنیفات هدایت بمناسبت میلاد

فرخنده فاطمه زهرا ع «روز زن»

سخن از محمد سر علی اصفرا کبری

بنام خدا

بنام آنکه جانرا فکرت آموخت چراغ دل بنورجان برافروخت
همانطور که میدانیم رژیمهای استبداد داخلی و خارجی همیشه
سعی بر این داشته و دارند تا در میان افراد جامعه تفرقه بیاندازند و از
جدایی انسانها بهره برداری کنند .

اتحاد بزرگترین ضربه ایست که می تواند استبداد داخلی و استعمار
خارجی را نابود سازد از اینرو عوامل استعمار همیشه سعی بر این دارند
که هرگز در جوامع مورد نظرشان دوستی و برادری و برابری و اتحاد
ایجاد نشود . مخصوصاً اگر آن جامعه يك جامعه اسلامی باشد که با آیه
انما المومنون اخوة^۱ همه مسلمانان را چه زن و چه مرد . چه سیاه و چه
سفید . چه افریقایی و چه اروپایی . همه را مانند برادرانی که یکدیگر
را تا سرحد يك عشق پاك و مقدس دوست دارند متحد می سازد و با آیه
اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا^۲ همه مسلمانان را هم هدف هم ایده
و متحد میدانند و با کلمه ولا تفرقوا از اختلافاتی که باعث میشود دشمن

۱- سوره ۴۹ (حجرات) آیه ۱۰

۲- سوره ۳ (آل عمران) آیه ۱۰۳

از آن بهره‌مند گردد جلوگیری می‌کند. از اینرو استعمار همیشه در فکر از هم گسیختگی اتحاد و برادری و برابری مسلمانان است و یکی از مواردی که استعمار در گذشته توانست از آن بهره‌مند گردد طرح مسئله اختلاف حقوق زن و مرد بود و از این طریق ایجاد اختلاف بین دو قطب عظیم اجتماع نمود. آنان برای نابودی جوامع اسلامی چنین ترتیب داده بودند که عده‌ای به عنوان ارتشی و دیگران شخصی و غیر ارتشی از یکدیگر کینه داشته باشند. عده‌ای غنی و عده‌ای فقیر بوجود آیند و جدا از یکدیگر و متنفر از هم زندگی کنند. عده‌ای را کرد. ترك. فارس و... و در نتیجه میخواستند بین برادران امت جدائی اندازند.

طرح مساله حقوق زن و مرد در گذشته یکی از همین برنامه‌ها بوده است. آنها سازمانی ترتیب داده بودند. با نام سازمان زنان. اما از سازمان مردان خبری نبود و این از بزرگترین گامهای در راه اختلاف بود که صف زن و مرد را جدا از هم در امور زندگی قرار میداد.

اما دیانت مقدس اسلام با اشارات مختلف از جمله: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انتی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم^۱ ابتدا همه افراد بشر از زن و مرد را در یک صف قرار میدهد و همه را مخلوق خود میداند سپس فضیلت و برتری را تنها در تقوی یا انسان کامل بودن و شعور انسانی داشتن میداند. بر طبق آیه فوق باید سازمانی بنام سازمان ناس یا سازمان انسانها تأسیس گردد و از حقوق طرفین. تفاهم و عدالت طرفین صحبت کند و زن و مرد را یک بدن بداند

۱- سوره ۴۹ (حجرات آیه ۱۳)

که نیم آنرا مرد و نصف دیگرش رازن تشکیل میدهد . اگر غیر از این عمل شود با حقوق طرفین بویژه حقوق زن بازی شده است چنانچه با این نغمه های مرموز و پلید امروزه حقوق زنان بویژه در کشورهای غربی پایمال شده است . اخباری که بیانگر اعمال دولتهای غربی است زن را موجودی پست و غیرمستقل و بازیچه دست مردانهم چه نامردانی معرفی می کند برای روشن شدن مطلب به موارد زیر توجه فرمائید :

۱- در غرب زن در اختیار اقتصاد قرار گرفته است . مثلاً آقائی که میخواهد يك تلویزیون بفروشد عکس زنی را عریان کرده و در کنارش قرار میدهد چنانچه در گذشته نزدیک در کشور ما نیز چنین میکردند . اگر میخواستند دستمال کاغذی بفروشند نیز زنی را برهنه ی برای تبلیغ جنس خود انتخاب میکردند . و یا برای فروش يك جاروی برقی زن عریانی میباشد در کنار آن باشد و بسیار نمونه های دیگر .

راستی آیا مقام زن و شخصیت او از نظر انسانی با اینگونه اعمال تنزیل نکرده است که ارزش او برابر ارزش يك تلویزیون و یا يك دستمال کاغذی باشد ؟

آیا نباید سازنده فردای جامعه . پرورش دهنده نسل آینده . تربیت کننده دکترها و مهندسين متیید به حال جامعه او باشد ؟

آیا زن محکوم به اینست که صبح تا غروب در محل نمایشگاهی بعنوان مانکن و یا وسیله ای دیگر از ابزار کار سرمایه دار بایستد تا شاید مشتری از راه برسد و با جلب نظر کردن مقدار پول بیشتری به جیب آن کارخانه دار و سرمایه دار سرآزیر شود . از اینروست که در آن نظام شخصیت زن در خدمت اقتصاد قرار می گیرد .

۲- برهم خوردن نظام جامعه خانواده . بررسی این مساله در غرب

چندان مشکل نیست و ما مشاهده می‌کنیم که با این قوانین خشکی که بقول خودشان مدافع حقوق زن هستند. کانون گرم خانواده را بهم زده‌اند و طلاق روز بروز آمارش در کشورهای اروپائی و امریکایی بالا می‌رود و همین موضوع باعث شده است که خانواده‌ها از هم پاشیده شوند .
گزارش تکان دهنده يك کارشناس مسائل اطفال حاکیست :

دهها هزار كودك امریکائی در معرض فساد الكلیسم و اعتیاد قرار گرفته‌اند و بنا بر همین گزارش در ناحیه متروپولتین (قسمت اصلی شهر نیویورک صد و بیست هزار (۱۲۰۰۰۰) دختر جوان در معرض فحشاء قرار گرفته‌اند .^۱

۳- در غرب زن در معرض فحشاء قرار می‌گیرد : کشورهای غربی آنقدر از نظر اخلاقی سقوط کرده‌اند که تا اندازه‌ای میتوان گفت مساله ازدواج و اصول آنها زیر پا گذاشته و می‌گویند ما همانطوریکه نان را همیشه از نانوائی تازه به تازه تهیه میکنیم میتوانیم در مورد جنس مؤنث نیز چنین عمل را انجام دهیم . از اینرو در کشورهای اروپایی و امریکایی شعله‌های آتش فحشاء روز بروز شعله‌ورتر میشود .

بنا بر گزارشاتی که از غرب بگوش میرسد در ایتالیا در سال ۱۹۷۰ يك میلیون روسپی وجود داشته^۲ که هم اکنون بسیار بر تعداد این افراد افزوده شده است .

بنا به گفته‌ای دیگر پلیس بانكوك گزارش میدهد . عده‌ای سودجو

۱- نیویورک . آسوشیتدپرس - کیهان

۲- کیهان تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۲۹

دختران کمتر از (۱۸) سال را مانند برده خرید و فروش می‌کردند حتی عکسهایی در پرونده منعکس و کاتالوگ‌هایی نیز از دختران عربان تهیه نموده تا خریدار براحتی بتواند کالای مورد نظرش را انتخاب کند^۱. و این عاملی بجز شکست فاحش ارزش والای زن در دنیای غرب نیست که بصورت کالائی خرید و فروش شود.

۴ - زن غربی در اختیار جنایت قرار می‌گیرد: اگر به آمار جنایات در کشورهای غربی دقت کنیم مشاهده خواهیم کرد که روز بروز جنایت و ظلم و خیانت بوسیله زنان در کشورهای غربی رو به افزایش است بویژه دومورد خرید و فروش مواد مخدر که جنایتکاران غربی برای حمل و نقل هروئین و یا سایر مواد مخدر از وجود زنان استفاده می‌کنند مثلاً يك بسته یا چند بسته هروئین را داخل کیف خانمی می‌گذارند و به او دستور میدهند از اینطرف مرز به آنطرف مرز ببرد و این از جمله مسائلی است که روز بروز در غرب افزایش پیدا کرده است.

۵ - ابتلاء زن به بیماری‌های مزمن در غرب: در کشورهای غربی سه نوع بیماری بیش از هر بیماری زنان را تهدید می‌کند و روز بروز بر تعداد آنان می‌افزاید. الف: بیماری روانی ب: بیماریهای مقاربتی ج: معتاد شدن طبقه زنان. دقت بفرمائید عواملی نظیر قرار گرفتن زن در اختیار فحشاء، قرار گرفتن زن در اختیار اقتصاد بعنوان يك کالا و بی پناه بودن در برابر قانون و اجتماع باعث شده است که روز بروز بیماریهای روانی در بین زنان بیشتر شود و همین مسئله بی‌پناهی باعث می‌شود که آنها به مواد

۱- تویه رود - آلمان - کیهان یکشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۶ صفحه هفتم.

مخدر پناه‌بیرند . بیماری دیگر آنها که در معرض چنین هجوم‌های وحشیانه قرار می‌گیرند بیماری مقاربتی است که بردردهای آنان می‌افزاید .

۶ - مطرح نبودن فضیلت عامل شکست شخصیت برای زن در

غرب .

دیگر از چیزهایی که باعث شکست زن در دنیای غرب شده است مطرح نبودن فضیلت است یعنی اینکه در آن کشورها زن یا باید زیبا باشد که اگر چنین بود در اختیار اقتصاد (مانکن ، هنرپیشه) قرار می‌گیرد و یا اینکه به دام فحشاء خواهد افتاد . ولی اگر زیبا نباشد او باید در گوشه آشپزخانه ظرف بشوید و در محله‌های مختلف به جارو کشی و گارسونی بپردازد و... و کلاً ترك جهان را از مزایای حقوقی خویش بنماید .

«برخلاف آن فلسفه اسلام زیبایی را در درجات پائین قرار داده

و فضیلت و انسانیت و تقوی زن را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد .

پس توجه می‌فرمائید در دنیای غرب ، زن آن ارزشی را که باید به عنوان زن داشته باشد، ندارد و قبلاً نیز نداشته است چنانچه طبق گفته «دکتر اسپرینگ»

«در سال ۱۵۰۰ میلادی در انگلستان شورائی برای شکنجه زن‌ها

تشکیل شد و وسائل تازه‌ای را برای ستمگری نسبت به زنان ابتکار نمودند

و در نتیجه طرحی مسیحیان، زنان را زنده زنده می‌سوزاندند . و «نیز»

در قرن هفدهم میلادی هنگامی که شورای رجال فضل و دانش و به تعبیر

دیگر مجلس مشاوره حکما در رم تشکیل شد ، باتفاق آرا قطعنامه‌ای

ناجوانمردانه وغير انساني تصويب نمودند كه زن داراي روح نيست آري ، براي زن ديگرارزشي در دنياي غرب وجود ندارد، ولي متأسفانه عده‌اي كه فقط يك بعدي فكر مي‌كنند و هميشه مسائل را سطحی مي‌نگرند دفاع كامل از حقوق زن را در غرب تصويب مي‌كنند . در حالي كه زن در غرب نابود شده است . براي روشن تر شدن موضوع به مطالب زير توجه فرمائيد :

فرانكفورت . يونايته پرس : «در جريان محاكمه‌اي در يك دادگاه فرانكفورت ديروز گفته شد، زني كه در يك روز با يك مرد سياه و يك مرد سفيد عشق‌بازي كرده بود دو كودك دو قلو بدنيا آورد كه يكي از آنها سفيد و ديگري سياه پوست است ..»^۱

كمي دقت بفرمائيد فرق انسان با حيوان چيست ؟ آيا بجز اينكه معيارهاي وجود دارد كه انسان را از حيوان جدا مي‌سازد ؟ و آيا اعمال اين خانم كه مأخوذ از حقوق زن در غرب است او را بسوي زندگي حيواني سوق نداده است ؟ و به اين بررسي از مجله تايم توجه فرمائيد :

«هم‌اكنون از چند شهر امريكا فرادي به كشاندن دختران به فحشاء مشغولند بسياري از اين دختران ۱۲ سال بيشتر ندارند در لوس آنجلس پليس معتقد است كه ۳۰۰۰ دختر و پسر كمتر از ۱۴ سال به كار فحشاء

۱ - يکشنبه ۱۵ اردیبهشت کیهان شماره ۱۰۴۵۰

کشانده شده‌اند. موج تازه‌ای از فحشاء خردسالان نه تنها شهرهای بزرگ امریکا بلکه شهرهای کوچکتر را هم فرا گرفته است ... اینها نمره کانونهای خانوادگی بهم خورده یا مولود بیرحمی‌هایی هستند که والدین الکلی یا معتاد بر آنها وارد می‌آورند ... و در این میان اسیر واسطه‌ها می‌شوند و اگر هم خیال ترك این کار را داشته باشند كتك خورده و مورد تهدید قرار می‌گیرند و از ترس انتقام جوئی قادر به گریز نیستند ... شهر نیویورک با بررگترین معمای فحشای خردسالان روبرو است و پلیس معتقد است که حدود بیست هزار (۲۰۰۰۰) خردسال از والدین گریخته که سنشان کمتر از ۱۶ سال است در خیابانهای این شهر سرگردانند!

ابن بدبختی‌ها که زن را نابود ساخته است در ممالک غربی بنظر شما از کجا ناشی می‌شود؟ آیا غیر از این می‌توان گفت که در دنیای غرب با پوششی از تمدن برنامه‌ها طوری طراحی شده است تا زن و حقوقش را نابود سازند و آيا زن باید از اینهم بیشتر سقوط کند؟ که در آمریکا روسپی‌ها کنفرانس برپا کنند تا در باره فروش جنس مؤنث طرح ریزی کنند. برای روشنتر شدن مطلب به عبارت زیر توجه فرمائید:

کنفرانس روسپی‌ها در آمریکا، سانفرانسیسکو - یونایتد پرس:
نخستین کنفرانس سالانه سازمان کایوت که خودشان آن را سازمان زنان آزاد می‌نامند با شکوه و جلال ویژه‌ای افتتاح شد...^۲
از فرنگ بازگشتگان و مدافع حقوق زنان غربی در شرق بار دیگر

۱ - مجله تایم - ترجمه از کیهان شماره ۱۰۳۴۴ دوشنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۵۶

۲ - سه‌شنبه ۷ آبان ۱۳۵۳ کیهان

مطالب فوق را مورد بررسی قرار دهند و چشم بسته و بدون اطلاع و سطحی درباره حقوق زن در غرب قضاوت نکنند. مدافعین مترقی حقوق زن را در غرب دیدیم که برای چه اهدافی از اینگونه خط مشی‌ها حمایت می‌کنند. مشاهده فرمائید که سازمان زنان آزاد متعلق به کدام طبقه از نسوان می‌باشد.

حقوق زن در مکتب کمونیسم

رهبران این مکتب که طراحان خطوط اصلی کمونیسم در جهان هستند هم‌رنگ با تحولاتی که در جامعه‌ها بوجود می‌آورند آرا و نظریات خود را که مطابق با واقعیت‌ها و حقایق نمی‌یابند تغییر داده و طرح‌های نو به‌نو و تجربه نشده را به جوامع پیشنهاد می‌کنند. بهتر است قبل از زیاده‌روی در پیش‌داوری نظریات آنانرا از نظر خودشان بیان کرده و به بررسی آن بپردازیم.

آقایان مارکس و انگلس در طرح حقوق خانواده و زنان دست کمی از دنیای کاپیتالیسم و غرب ندارند و چون اینان نیز بطریقی خطا رفته‌اند. نظام خانواده و زن را به نابودی کشانده‌اند.

پیشتر گفتیم فرق بین انسان و حیوان اینست که معیارها و حقوقی موجود است که میتوان بوسیله آن انسانیت را از حیوان بودن و صفات حیوانی داشتن تشخیص داد که آقایان متاسفانه معیارهای انسانی را فراموش کرده‌اند و اولین طرحشان الغاء نظام خانواده است که این بزرگترین خیانت به انسانها مخصوصا به طبقه زنان می‌باشد.

«آقای انگلس در کتاب منشاء خانواده» طرح خود را چنین بیان

میکنند^۱ :

۱- از آنجا که زن را همچون ... برابر مرد خواهد ساخت وی را در مقام يك کارگر Teavailleuse و يك تولیدکننده هم طراز مرد خواهد نمود نخستین شرط رهایی « Afranchissement » زن شرکت و تماس جنس مؤنث در صنایع عمومی است و این شرط نیز الغای خانواده فردی را به عنوان واحد اقتصادی جامعه اقتضا میکند .

۲- پس از آنکه تمام جنس مؤنث وارد صنعت شد. تکلیف فرزندان چه میشود ؟ و همچنین وظایف خانوادگی چه خواهد شد ؟ (در پاسخ میگوید) : این امور را جامعه عهده دار خواهد شد . اقتصاد خانگی خصوصی به اقتصاد اجتماعی مبدل میشود . کار مراقبت و پرورش کودکان يك امر عمومی خواهد شد جامعه از کودکان چه مشروع و چه نامشروع بطور یکسان مراقبت خواهد کرد .

۳- همراه با از بین رفتن نگرانی مربوط به بچه ، نگرانی مراقبت آن نیز که چه از لحاظ اخلاقی و چه از لحاظ اقتصادی امروزه علت اجتماعی اصلی آن است که دختر جوان خود را هرگز بی غرض تسلیم کسی که دوست دارد نمیکند از بین خواهد رفت . نتیجه این امر « آزادی تدریجی بیشتر در مناسبات جنسی و نرمش پذیری بیشتر افکار عمومی در زمینه افتخار گذاردن بر باکره ها و شرم داشتن بر زنان خواهد بود (منشاء خانواده ص ۸۱)

۱- این کتاب از مهمترین کتب کمونیستی است که لنین در باره آن میگوید : یکی از آثار اساسی سوسیالیسم معاصر ... (که) هر جمله آن ... بر اساس ساخت پایه های تاریخی و سیاسی عظیمی نوشته شده است .

باری طرحهای آقای انگلس را که از فرهنگ کارل ماکس سرچشمه میگیرد مورد بررسی قرار دهید که میگوید :

اول . به زن کار بدهیم و برابر مرد قرارش دهیم .

دوم . بچه‌ها را در پرورشگاه‌ها بزرگ کنیم .

سوم . اگر به زن کار دادیم و بچه را هم در پرورشگاه بزرگ کردیم دیگر دختران باکره با خیال جمع خود را در اختیار عشق قرار میدهند .

ما با کار کردن زنان مخالف نیستیم . اما آقایان بی‌خبرند که فرزند را باید مادرش بزرگ کند آیا آقایان يك بعد مسئله رانگریسته‌اند و نمیدانند که هنگامیکه کودک در آغوش مادر است ضربان قلب مادر بهترین موسیقی برای او میباشد . وزمانی که مادر دست بر سر فرزندش میکشد .

اورا از بسیاری بیماریهای روانی مانند عقده‌های درونی نجات میدهد و فقط باید کودک در آغوش مادرش پرورش یابد نه آغوشی دیگر (بجز مواردی که مادر نباشد) .

نکته دیگر آنکه اگر نظام خانواده را برهم‌زنیم باز مسئله فحشاء و قرار گرفتن زن در اختیار فحشاء پیش خواهد آمد . البته این موضوع در اتحاد جماهیر شوروی به نحوی مورد اجرا درآمد ولی سرانجام آن کشور متوجه شد که این قوانین در مورد انسانها نیست و طرح جدیدی را در قوانین خود گنجانید . که بنظرتان خواهد رسید .

«قانون ۸ ژوئیه ۱۹۴۴ مربوط به مادران و فرزندان. ازدواج و طلاق» .

ماده ۱۹ ازدواج ۱۹۴۴/۷/۸ .

«مقررات ازدواج قانونی . حقوق و وظایفی را که توسط قوانین

مربوط به ازدواج خانواده و قیومیت در اتحاد جماهیر شوروی مقرر شده است . برای شوهر وزن ایجاد میکند .

اشخاصی که پیش از انتشار این فرمان با پیوند زناشوئی آزاد زندگی میکردند بایستی پیوند خود را بطور رسمی با ذکر مدتی که باهم زیسته‌اند قانونی کنند .

توجه میفرمائید که پیوند آزاد را رد کرده و ازدواج را بصورت قانونی آن مطرح میکنند یعنی همان خواسته مذاهب در حدی بسیار پائین تر که جای بحث نیست . وزمانی که صحبت از ازدواج میشود باید طلاق هم بدنبال داشته باشد .

« ماده ۲۵ قانون ۸ ژوئیه ۱۹۴۴ (طلاق) »

« دادگاه مردم بایستی علل تقاضا و طلاق را مشخص سازد و جهت آشتی طرفین تلاش کند و ضمن این جریان بایستی طرفین و همچنین در صورت لزوم شهود نیز اجباراً احضار شوند. »

توجه میفرمائید که بالاخره مجبور میشوند که قوانین ضد بشری قبلی را کنار بگذارند و به این ترتیب ابتدا ازدواج تأکید میشود و بعد طلاق را اضافه مینمایند که همراه آن شهود اجباراً باید احضار شوند . که اینها چیزی شبیه ازدواج و طلاق اسلامی در سطح بسیار پائین تر است که فعلاً نمیخواهیم در مقام مقایسه برآئیم .

پس توجه میفرمائید که خود حضرات نیز متوجه خطر ازدواج آزاد شده‌اند همچنین برنامه‌هایی نظیر ازدواج آزاد و سقط جنین قانونی موجب آن شده است که در کشورهای کمونیستی آمار سقط جنین بالا رود و فحشاگری نیز به حد بسیار زیادی پیشرفت کند و دردی بر مشکلات جامعه و حقوق زنان افزوده شود .

«روزنامه لوموند ۲۸ اوت ۱۹۶۵ گزارش داد .»
« یک گزارش درباره سقط جنین قانونی در کشورهای سوسیالیسم
برای نخستین بار طی کنفرانس بین‌المللی اوت ۱۹۶۵ ژنو در برنامه تنظیم
خانواده ارائه شد:

مجارستان که حدنصاب جهانی را در زمینه نسبت سقط جنین به
موالید دارا است ۱۴۰٪ (صد و چهل درصد) در سال ۱۹۶۴ و همچنین در:
رومانی که سقط جنین در شهرها فراوان است در مقابل هر تولد ۱۳ سقط جنین
وجود دارد. »

و متأسفانه باید عرض شود که نتایج این انقلاب یعنی : ازدواج
آزاد و سقط جنین قانونی ، برای آینده کشور اتحاد جماهیر شوروی
جدائی‌ها (طلاقها) در سال ۱۹۳۵ به ۰.۴۴٪ ازدواج‌های ثبت شده رسید
و تعداد سقط جنین به حدی بود که دیگر بیمارستانهای آنجا جای خالی
نداشت . افزایش اطفال رها شده موجب افزایش میزان بزه کاری جوانان
شده بود^۱ .

«در ماه اوت ۱۹۳۵ کمیسر عدالت خلق گریلنگو در ایزوستیا
نوشت :

پدران صدها هزار کودک را علی‌رغم وظایفی که توسط دادگاه‌ها
به آنان ابلاغ شده از یاری کردن به این کودکان شانه‌خالی میکنند.»
توجه میفرمائید که این برنامه‌های حساب نشده شرقی و غربی ،
کمونیسیم و کاپیتالیسم چگونه مانند خوره جامعه انسانی را نابود میکند
و خانواده را از بین میبرد و حقوق زن را پایمال مینماید . باید عده‌ای از

۱ - صفحه ۱۷۲ مارکس و مارکسیم (اندره پی‌یتر)

هموطنان عزیزى که غرب زده اند بخود آیند و سطحى و يك بعدى ننگرند و زنان ما را همانند غرب بصورت عروسک فرنگى هاىى همراه با این همه مشکلات نساژند .

و نیز عده اى از خواهران و برادران بى خبر از حقوق کمونیسم که از جامعه شناسى آنان بى اطلاعند نا آگاهانه دم از حقوق سوسیالیستى نزنند و نگذارند که جامعه ما هم مانند جوامع کمونیستى به سقوط کشانده شود. توجه فرمودید که هر دو مکتب کاپیتالیسم و کمونیسم مبنای کارشان نابودى نظام خانواده میباشد که در این مسیر بیشترین زبان را مادران و فرزندانشان میبینند . و باز برهم خوردن کانون گرم خانواده .

همانطوریکه جامعه شناسان و روان پزشکان مطرح میکنند . انسان موجودى است اجتماعى . در جمع زندگى کردن خوى او و قسمتى از غریزه او را تشکیل میدهد . انسان در اجتماع زندگى کردن را برگوشه گیرى ترجیح میدهد .

اولین اجتماعى که آدمى با آن در تماس است و به آن عشق میورزد اجتماع خانواده میباشد و برهم زدن این اجتماع خیانت بزرگى به بشریت محسوب میشود ما در ذیل به بررسى آراء و نظرات رهبرهاى شرق و غرب میپردازیم .

برهم خوردن خانواده به رواج فحشاء منتهى میشود :

و کارل مارکس در کتاب مرام آلمان میگوید ^۲ .

۱ - منظور از غرب کشورهاى سرمایه داری و منظور از شرق کشورهاى

کمونیستى است .

۲ - مرام آلمان ص ۲۷۶ مارکس و مارکسیسم .

همراه با تقسیم کار که به نوبه خود متکی بر تقسیم طبیعی کار در خانواده و جدائی جامعه به صورت خانواده‌هایی متمایز و مخالف با یکدیگر است در عین حال توزیع نابرابر کار و محصولات آن از نظر کمی و کیفی و لذا مالکیت نیز که نخستین شکل خود را در خانواده که البته بطور ناهنجار و پنهان میباشد .

نخستین جنبه مالکیت است که اصولاً در اینجا با تعریف اقتصاددانان مدرن که مالکیت را همانا در اختیار داشتن نیروی کار دیگری میدانند کاملاً وفق میدهد .

توجه میفرمائید که آقای کارل مارکس تشکیل خانواده را چنین بیان میکند که زن برده مرد میشود .

جناب انگلس در کتاب اصول کمونیسم میگوید^۱ :

عواقب رژیم اشتراکی برای خانواده چه خواهد بود ؟

پاسخ : روابط زن و مرد را به روابطی کاملاً خصوصی میان دو نفر که اجتماع حق دخالت در آن را ندارد تبدیل خواهد کرد ، این تغییر شکل از آنجا امکان پذیر خواهد شد که رژیم اشتراکی ، مالکیت خصوصی را حذف خواهد کرد و اطفال را مشترکاً تربیت خواهد کرد و بدین سان دو پایه اساسی ازدواج کنونی یعنی تابعیت زن نسبت به مرد و تابعیت فرزندان نسبت به والدین را از میان خواهد برد .

ایشان معتقد است که زن نباید تابع مرد باشد و بطور کلی مرد هم تابع زن نمیشود از اینرو نسبت به فرزند مالکیت ندارند و اجتماع کودکان را بزرگ خواهد کرد و والدین نسبت به فرزندانشان هیچ مسئولیتی

۱ - ف انگلس «اصول کمونیسم» و ص ۲۷۷ مارکس و مارکسیسم .

را ندارند . بزرگترین اشتباهی که مارکس و انگلس و کلاً مکتب کمونیسم مرتکب شده اینست که اینها چنین میپندارند که پرورشگاه برای تربیت کودک میتواند جای مادر را بگیرد . درحالیکه هرگز چنین نیست ، زمانیکه کودک ضربان قلب مادر را میشنود . بهترین موسیقی و شیرینترین نوا را شنیده است و هنگامیکه مادرش به او توجه و عنایت میکند بهترین لذات زندگی را میچشد . کودک نیازمند به لطف و مهربانی مادر است و احتیاج به محبت او دارد .

« به قسمتی از ص ۵۸ کتاب روح بشر توجه فرمائید :

کودکان و افراد پریشان غالب کسانی هستند که در کانون خانواده ای نابسامان خانواده ای که از فروغ پر تو محبت گرم و روشن نشده است . پا به عرصه وجود نهاده اند و یا احیاناً از کودکی به عللی مفهوم واقعی زندگی ثابت خانوادگی را درک نکرده اند و یا حداقل به جای محبت تنها از ترحم دیگران برخوردار شده اند و در نتیجه رشد عاطفی شخصیت آنها متوقف مانده است .

این محرومین لطف و محبت و مقبولیت این جهل و بی مهری خانواده و محیط ، ناچار نیاز به خودنمایی و جلب توجه و مقبولیت خود را از راههای دیگری که به زیان شما است ارضاء میکنند ، آنان اگر دخترند چه بسا که به فحشاء تن در میدهند و بخاطر اطفاء عطش محبت خویش بسهولت فریب تملق و زبان بازی مردان هوسران را میخورند و اگر پسرند . بسا میشود که به آسانی به طغیان علیه قانون و اجتماع قدبرافراشته دستهای خود را به جرم و جنایت می آلاینند و به هرگونه

دروغ و تقلب و دزدی و پستی تن درمیدهند . آنها غالباً بدبین و کینه‌توز نسبت به همه کس میشوند آری بهم خوردن نظام خانواده زیانهای جبران ناپذیری را دربر دارد خیانت به حقوق انسان چه زن و چه مرد که هر دو را به دامن فحشاء میکشاند .

کمبود محبت در کودکان که باعث میشود کودک علیه قانون و اجتماع و همه چیز قیام کند و حتی بزرگترین جنایات را انجام دهد .

از این روست که میبینیم اتحاد جماهیر شوروی که قانون مارکس را مورد اجراء قرار میدهد سرانجام سرافکننده به این نتیجه میرسد که تشکیل خانواده را از اصول زندگی باید به حساب آورد و قوانین ازدواج و طلاق ۸ ژوئیه ۱۹۴۴ را وضع میکند. اهمیت بعضی از سخنان اعتراف آمیز این دوستان را حقوق بشر ما را بر این میدارد که دوباره بعضی از مطالب آنرا مطالعه کنیم .

زندگانی‌های غربی نیز مانند کمونیستی اصل را بر نابودی خانواده قرار داده‌اند و قوانین اجتماعی آنان نیز بر این اصل استوار است مثلاً :
« دريك دادگاه بارائی که به نفع يك شوهر صادر کرد جنجال بزرگی بوجود آورد این دادگاه با يك رأی حیرت آور اجازه داده است معشوقه يك مرد انگلیسی با زنش دريك خانه زندگی کنند . تنها به این شرط که مرد و معشوقه‌اش در اطاقهای جداگانه بخوابند ^۱ »

توجه میفرمایید که آنقدر خانواده سقوط میکند که دادگاه خانواده

۱- کیهان یکشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۵

اجازه میدهد : دريك خانه در جلوی چشم همسر مردی با زنی دیگر روابطی عاشقانه داشته باشند .

« سانفرانسیسکو » یونایتد پرس نخستین کنفرانس سالانه سازمان کایوت که خودشان آنرا « سازمان زنان آزاد » نامیده‌اند با شکوه و جلال ویژه‌ای افتتاح شد و يك پیمانست سرشناس به مجلس وارد شد و هیجان بیشتری به آن داد بطوریکه خانمهایی که در آنجا حضور داشتند برای کاستن حرارت بدن خود لباسها را در آوردند . . . کایوت سازمان فواحش است و کنفرانس سانفرانسیسکو به افتخار همه فواحش وابسته به این سازمان ویژه تشکیل شده است^۱ .

ما در اینجا قسمتهایی دیگر این گزارش را که شرم آور تر بود حذف کردیم . میبینیم که در آمریکا سازمانی است بنام کایوت که مربوط به زنان فاحشه میباشد و آزادانه کار میکند و دو هدف اصلی دارد . یکی فروش زن و کشانیدن او از کانون گرم خانواده به محله‌های فحشاء و دیگری دور کردن مرد از آغوش پر محبت زندگی خانوادگی و زناشوئی به دامن فحشاء و در هر دو صورت لطمه به کانون گرم خانواده میزند .

میبینیم که امروزه بلندگوهای غربی و دانشمندان و محققین آنها فریاد بر میاورند که بزرگترین خیانت به كودك انحلال کانون گرم و اجتماع خانواده میباشد .

قبلا در مجله « تایم » چنین خواندیم :

« هم اکنون از چند شهر آمریکا باندهای متعددی به کشاندن دختران

۱- کیهان سه شنبه ۷ آبان ماه ۱۳۵۳ شماره ۹۳۹۸

به فحشاء مشغولند بسیاری از این دختران ۱۲ سال بیشتر ندارند . درلوس آنجلس پلیس معتقد است که ۳۰۰۰ دختر و پسر کمتر از ۱۴ سال به کار فحشاء کشانده شده‌اند . موج تازه‌ای از فحشاء خردسالان نه تنها شهرهای بزرگ آمریکا بلکه شهرهای کوچکتر را هم فراگرفته است .

عده‌ای از این کامفروشان خردسال درخانه خودشان زندگی میکنند ولی برای بدست آوردن پول توجیبی دست به چنین کاری میزنند اما بیشتر آنها دختران و پسرانی هستند که از خانه گریخته‌اند اینها ثمره کانونهای خانوادگی بهم خورده یا سرد و بیرحمیهایی هستند که والدینی الکلی یا معتاد بر آنها وارد میاورند . آنها ناگزیر به خیابانها رفته و برای ادامه زندگی از بدن خود استفاده میکنند^۱

آری، اینست نتیجه حقوقی که شرق و غرب برای زن و مرد مشخص کرده است . حال ، توجه شما را به حقوق زن در اسلام جلب میکنم .

حقوق زن در اسلام

فرهنگ غنی دیانت مقدس اسلام با کلماتی نظیر « انسان » و « ایهاالناس » . زن و مرد را درکنار یکدیگر قرار میدهد و آنها را برای گذراندن يك زندگي استوار و پیروزمندانہ آماده میسازد و با تعادلی منطقی که از فطرت و نهاد زن و مرد سرچشمه میگیرد قوانینی را ارائه میدهد که تنها در سایه این قوانین است که بشریت یعنی زن و مرد، میتوانند به خوشبختی برسند .

اسلام برخلاف بعضی ادیان تحریف شده فعلی که زن را موجودی

۱- کیهان ۲۸۰ آذرماه ۱۳۵۶

بی روح میدانند زن را در کنار مرد قرار داده و از نظر خلقت او را مانند مرد میدانند و با کلام زیبایی :

« یا ایها الناس انا خلقناکم من زکر و انثی^۲ »

همه معیارهای ظالمانه‌ای که درباره زن به اجرا گذاشته شده بود نابود ساخت یعنی (ای ناس ، ای انسانها ، ای زن و مرد ، ای سیاه و سفید و ای اروپائی و افریقایی و ...) ما همه شما را از یک پدر و مادر خلق کردیم و در خلقت . مرد انسان برتری نیست ، و زن هم از این نظر از مرد برتری ندارد .

پس از اینکه اسلام همه جامعه را در یک سطح قرار میدهد برتری را در چهارچوب تقوی و انسانیت و شرف و آبرو پیاده میکند و میفرماید :

« ان اکرمکم عندالله اتقیکم^۳ »

یعنی گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقوی‌ترین شماست . پس بر طبق این آیه اسلام زن را هم‌دوش مرد قرار میدهد سپس برای سیر تکاملی این دو آنانرا در مسیر تقوی به مسابقه میگذارد و آدمیان را بسوی آن راهنمایی میکند و میفرماید حرکت کنید تا به مقصد برسید .

آری ، در این مسابقه امکان دارد زنی ، هزاران مرد را پشت سر بگذارد و گوی سبقت را ببرد و بر هزاران مرد برتری یابد .

و بالعکس ، شاید مردی چنین کند . پس از نظر خلقت و از لحاظ سیر تکاملی . زن و مرد در فرهنگ اسلام تفاوتی ندارند بلکه انسانیت است که مورد اهمیت قرار میگیرد زن و مرد هر دو انسانند و هر دو جامعه

۲- سوره ۴۹ (حجرات) آیه ۱۳

۳- سوره ۴۹ (حجرات) آیه ۱۳

انسانیت را تشکیل می‌دهند. در کنار هم و برای یکدیگر و تشکیل زندگی بهتر تلاش میکنند .

برای سنجش عظمت شخصیت زن در اسلام (این عظمت نه آنست که ما به او داده باشیم بلکه حق طبیعی اوست) در مقام مقایسه با آراء دیگران . گفتاری از « سقراط فیلسوف یونان قدیم » رامیاوریم . آنجا که میگفت :

« وجود زن بزرگترین منشاء بحران و انهدام جهان است. زن مانند درخت مسمومی است که از بیرون زیبا مینماید . ولی وقتی که گنجشکها آنرا میخورند بی‌درنگ میمیرند . »

اینست طرز تفکر يك فیلسوف یونانی درباره زن و آنست ایده اسلام که قبلا ملاحظه فرمودید .

در جامعه اسلامی برخلاف جامعه چین قدیم . که زن را مانند آبهای درد آلود که وجودش شراست و نیکبختی را می‌شوید مینامند . زن را در کنار مرد قرار داده و هر دو را تشکیل‌دهنده يك بدن معرفی میکند . نصف این بدن مرد و نصف دیگرش زن میباشد . و این دورا مکمل یکدیگر میخواند . در میان تمام مذاهب جهان. اسلام تنها مکتبی است که زن را با صفت « نصف بهتر » ستوده و شخصیت جداگانه و مستقلی برای او قائل شده و به او مقام مستقل و مخیری میدهد .

رسول گرامی اسلام میفرماید : « زنان نتیجه‌های توأمی از مردان هستند » . پیکر آدمی را در نظر بگیرید . این جسم به اجزاء مختلفی مانند : چشم ، گوش ، زبان دست و پا و ... تقسیم میشود و همه این اجزاء هستند که

تشکیل دهنده جامعه بدن میباشد. آیا در این جامعه گوش بر چشم برتری دارد؟ و آیا بیان مقدم بر شنوایی است؟ و دهها سؤال دیگر که همه جوابها در يك جمله خلاصه میشود:

برای شنیدن از گوش و برای دیدن از چشم و برای برقراری ارتباط باید از بیان استفاده کرد و هیچکدام از اینها بر دیگری برتری ندارد. مثلاً هرگز نمیتواند گوش از بیان برتری داشته باشد و بقول معروف هر چیز بجای خویش نیکو است، اگر یکی از اینها از کار بیافتد، همه اعضاء در ناراحتی و عذاب خواهند بود. دیانت مقدس اسلام، زن و مرد را يك پیکرمی داند که هر کدام بنا به فطرت و نهاد و عاطفه خود، می توانند به سپری کردن زندگی توأم با عشق یکدیگر را کمک کرده و یار همدیگر باشند تا زندگی هر چه بهتری داشته باشند. در این باره بیاد کلام زیبای قرآن می افیم که:

« من لباس لكم وانتم لباس لهن^۱ »

یعنی زن لباس مرد و مرد لباس زن است. یا بهتر بگوئیم هر کدام به لباس دیگری تشبیه شده اند.

در اینجا این سؤال پیش می آید لباس مگر چه حسن و خصوصیتی دارد که در اینجا مرد به لباس زن و زن به لباس مرد تعبیر شده است؟

الف) حفاظت در مقابل خطرات: همانطور که می دانیم یکی از وظایف لباس حفظ بدن در مقابل سرما و گرما و... و خطراتی نظیر آن می باشد. زن و مرد هر کدام باید یکدیگر را در مقابل خطرات زندگی حفظ نمایند.

۱ - سوره ۲ (بقره) آیه ۱۸۷

ب) زیبایی بخشیدن بر بدن : چنانچه می‌دانیم ، لباس ، آدمی را چندین برابر زیباتر می‌کند. یعنی ما بوسیله لباس عیوب خویش را می‌پوشانیم ، پس زن باید پوشاننده عیوب مرد و مرد نیز عیوب زن را بپوشاند ، هر کدام نیز باید در نیکو جلوه دادن طرف مقابل کوشش کنند .

ج) نزدیکترین شیئی که به بدن : لباس آدمی نزدیکترین شیئی به بدن او می‌باشد و این نزدیکی باعث می‌شود تا لباس نقش گرم کننده بدن را داشته باشد. پس زن و مرد باید بسیار به یکدیگر نزدیک بوده و زندگی بر حرارت و محبت و دوستی‌ای را پایه ریزی بنمایند .

پس توجه می‌فرمائید که همان نقشی را که زن دارد . نظیرش را مرد در مسئله فوق دارا می‌باشد . و باز خداوند در قرآن می‌فرماید .

«یا ایها الناس انقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده»^۱

یعنی ای مردم از پروردگارتان که شما را از یک تن آفریده بترسید و پرهیز کار باشید.

آری در اسلام زن و مرد در کنار هم و از یک پیکرند. پیامهای قرآن که بکرات این مساله را بیان کرده اند که برای آگاهی بیشتر مواردی چند از آن آیات را ذکر می‌کنیم .

۱ - پیامبر برای زن و مرد :

اگر به قرآن کریم مراجعه کنیم و آیات این کتاب عظیم را مورد بررسی قرار دهیم باین نتیجه می‌رسیم که پیامبر خدا (ص) رسالتش تنها

۱ - سوره ۴ (نساء) آیه ۲

برای مردان نبوده است بلکه رسالت خود را برای همه جهانیان مطرح کرده است. مثلا :

خداوند میفرماید:

« قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا »

یعنی ای پیامبر به مردم بگو ای انسانها ، ای زنها و ای مردها و ای فرزندان آدم . من رسول و فرستاده خدا بر همه شما هستم یعنی من بر شرقی و غربی ، سفید و سیاه ، زن و مرد چه در این زمان و چه در زمانهای آینده تا روز رستاخیز فرستاده خدا می باشم .

« و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين »

یعنی ای پیامبر ترا به منظور گسترنده رحمت و صلح و برکت در زندگی این جهان و جهان دیگر برای تمام قرنهای و تمام جهانیان (چه زن و چه مرد) فرستادیم .

« و ما ارسلناك الا كاهن » للناس بشيرا و تديرا و لكن اكثر الناس لا

يعلمون^۱ »

یعنی ای پیامبر ترا نفرستادیم مگر اینکه بشارت دهنده (به نیکی ها) و ترساننده (از بدیها) برای مردم باشی . و لکن اکثر مردم اینرا نمی دانند . آری پیامبر برای همه آمده است و برای زن و برای مرد . لذا زمانی که پیامبر خدا مبعوث به رسالت بود یکی از همسرانش میگوید: « عده ای از زنان مؤمن آمده بودند تا با پیامبر بیعت کنند . پیامبر

۱ - سوره ۷ (اعراف) آیه ۱۵۸

۲ - سوره ۲۲ انبیاء آیه ۱۰۷ - ۳ - سوره ۳۴ (سبا) آیه ۲۸

آنانرا با يك آيه ازقران كريم مورد خطاب قرار ميدهد و بدبختيهاي زمان جاهليت را براي آنان ميشمرد سپس از آنها ميخواهد تا هرگز به گرد زشتيها نگردند و بعد از آنان بيعت ميگيرد^۱»

پيامبر (ص) هم براي زنان وهم براي مردان مبعوث شده بود و در اين مسئله هيچكدام بر ديگري برتري ندارند و در ديانت مقدس اسلام پيامبر را براي هر دو گروه مي دانند و هيچيك را بر ديگري ترجيح نمي دهد .

۲ - قرآن براي زن و مرد :

ملاحظه فرموديد كه پيامبر براي زن و مرد بدون هيچگونه تبعيضي از طرف خداوند و براي هدايت مبعوث شده بود. چون پيامبر مبعوث بر همه بود كتابش نيز بر همه هدايت و رهبر و راهنما خواهد بود.

براي اثبات اين موضوع به آياتي از اين كتاب بزرگ توجه فرمائيد.

«تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين تديرا^۲»

اين قرآن براي عالميان است يعني همه انسانها كه زن يك قسمت از اين عالم و مرد قسمت ديگر آن محسوب مي شود همان تعبير پيامبر كه نصف بدن اجتماع را زن و نصف ديگرش را مرد تشكيل مي دهد.

« و اوحى الى هذا القرآن لا تدركم به و من بلغ^۳ »

يعني: اين كتاب آسماني (قرآن بر من وحى شده است. تابه همين

وحى شما را (ازپستيها و زشتيها) بيم دهم (و براي شما راهنما باشم) و هر كس را كه اين قرآن به او مي رسد تا روز قيامت (از زن و مرد) اين

۱ - سنن ۲ - سوره ۲۵ (فرقان) آيه ۱

۳ - سوره ۶ (انعام) آيه ۱۹

کتاب روشنگر راه او خواهد بود. توجه می‌فرمائید که قرآن کتاب آسمانی هر زن و مردی تا روز قیامت است.

در این زمینه آیات فراوانی موجود است که قرآن را نازل شده برای هدایت و رستگاری زن و مرد می‌داند:

۳ - عبادت برای هر دو .

دیانت مقدس اسلام برای انجام فرائض مذهبی نیز (که آدمی را از صفروگاهی بینهایت منفی و پائین به بینهایت مثبت و بالا سوق می‌دهد) زن را در کنار مرد قرار داده است او را آزادگذارده تا بتواند در این مسیر خود را به بالاترین درجه انسانیت و معبودیت برساند چه بسا در این راه که اسلام آنرا صراط مستقیم می‌نامد زنی از هزاران مرد جلو افتاده و سیر صعودی عظیمی را به پیماید که مردان زیادی از پیمودن آن عاجز باشند اسلام همانطوریکه نماز را بر مرد واجب کرده است بر زن نیز واجب نموده است و روزه ماه مبارک رمضان خمس و زکوة و امر بمعروف و نهی از منکر و... را همانطور که بر مرد واجب است بر زن نیز واجب می‌شمرد. چون طبیعت و فطرت هر دو آنها آمادگی انجام این اعمال را دارد. اما در بعضی موارد است که مختصراً قوانین طوری تنظیم شده است که به طبیعت و فطرت و نهاد آنها بستگی دارد مثلاً قوانین تراشیدن ریش را برای مردان مطرح کرده است چون اگر برای زنان مطرح می‌کرد بکار آنان نمی‌آمد. یا قوانین مربوط به ایام قاعدگی (رگل) برای زن فقط مطرح شده است.

این تبصره‌ها هیچگونه تعادل بین زن و مرد را بهم نمی‌زنند بلکه به عظمت قانون و قانونگذار آن می‌افزاید که هیچ چیز را فروگذار نکرده است و کاملترین قوانین است. این نوع قوانین نیز برتری هیچکدام را

بردیگری نمیرساند درحالیکه دشمنان اسلام میخواهند فقط از اینطریق به اسلام خرده بگیرند و تعادل بین زن و مرد را در اسلام انکار کنند .

۴ - فراگرفتن علوم برای زن و مرد مساویست :

همانطوریکه میدانید علوم آدمی رابه جهان خارج آگاه و به نهاد آدمی راهنمایی میکند و آنچه که آینده آدمی را میسازد رابطه مستقیم با علوم دارد و بزرگترین راهی که انسانها را از بد بختی و جهل رهایی میبخشد علم است .

نیز در این راه است که آدمی به تکامل میرسد و اسلام فراگرفتن علوم را بر زن و مرد فریضه دانسته است و به هر دو اختیار داده است تا به تکامل برسند . چه بسازنانی که در این طریق از هزاران مرد سبقت میگیرند و یا مردانی که هزاران زن را پشت سر میگذارند . در هر صورت هر دو آزادند تا در این راه قدم گذارند و سیر تکاملی خود را بپیمایند . به سخن مشهور پیامبر توجه فرمائید

« قال رسول الله (ص) : طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة »

رسول خدا فرمودند : طلب نمودن و تحصیل علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است . البته در این زمینه احادیث فراوانی موجود است که اگر بخواهیم مسئله را بطور مفصل طرح کنیم مثنوی هفتادمن کاغد شود . از چند مطلب گذشته در مییابیم که پیامبران الهی برای راهنمایی همه مردم چه زن و چه مرد مبعوث شده اند و در اسلام . قرآن چراغ هدایتی است برای همه نیز در عبادت خدایتعالی همه افراد بایکدیگر اعمال مساوی انجام میدهند و در فراگرفتن علوم نیز هر دو باید با هم حرکت کنند و

خویشتن را از مادون به ماوراء برسانند . یعنی اینکه در این مسابقه انسانی و انسان سازی زن و مرد بایکدیگر میتوانند شرکت کنند و بین آنها هیچ فرقی نیست . اما قبلاً گفتیم که این دو . از نظر فطرت و نهاد و طبیعت جسمی و روحی با یکدیگر تفاوت‌های مختصری دارند و اورگانیزم و فیزیولوژی بدن هر کدام با دیگری اختلافات جزئی‌ای دارد در این زمینه میتوان چنین گفت : چشم و گوش در جامعه بدن هر دو محترمند و قابل استفاده و برای بدن هر دو مساویند اما اگر به چشمی عینک زده شود نباید گفت که به گوش ظلم شده است و می‌بایست گوش هم عینک بزند . یا اگر به گوش سمعک زده شد نباید گفته شود این ظلمی است بر علیه چشم . بلکه باید بگوئیم هر چیز بجای خویش نیکوست . عینک متعلق به چشم و مطابق با طبیعت چشم است و سمعک متعلق به گوش و مطابق با فطرت و نهاد گوش . داشتن عینک برای چشم ضعیف . لطفی است برای گوش نه ظلم به آن . چون اگر عینک نباشد زمانی که شخص صدایی را میشنود چشم باید دقت زیادتری به خرج دهد تا صاحب صدارا بشناسد ولی اگر عینک برای چشم باشد شناخت صاحب صدا کمکی به گوش است و بالعکس .

پس زن و مرد در کنار یکدیگر و هر دو محترمند اما ما نمیتوانیم بگوئیم آنچه از قانون برای مرد مطرح است باید برای زن نیز مطرح باشد و بالعکس . چنانچه گفتیم مثلاً مسائل مربوط به ریش به کار زن نمیآید و مسائل زنانگی مرد را دوائی نمیبخشد . برای مبنای مستحکم شدن زندگی طرفین اسلام قوانینی را مطرح میکنند که هر دو را در کنار یکدیگر مسئول معرفی میکند که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره نمودیم .

مدیریت دارالتبلیغ امیرالمومنین

تلفن ۳۹۳۳۳۳